



آیات حاوی تحدی؛ بهترین شاهد بر حجیت مستقل قرآن از منظر علامه طباطبائی

پژوهشگر مؤسسه دارالحديث قم اظهار کرد: از نظر علامه طباطبائی، قرآن حجیت مستقل دارد و در حجیت و حقانیت خود نیازمند غیر نیست و چیز دیگری نمی‌تواند اثبات کند که این کلام پروردگار است و آیات حاوی تحدی در قرآن دلالت بر همین معنا می‌کند.

پژوهشگر مؤسسه دارالحديث قم اظهار کرد: از نظر علامه طباطبائی، قرآن حجیت مستقل دارد و در حجیت و حقانیت خود نیازمند غیر نیست و چیز دیگری نمی‌تواند اثبات کند که این کلام پروردگار است و آیات حاوی تحدی در قرآن دلالت بر همین معنا می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین علی شاه‌علیزاده، پژوهشگر علوم قرآن و تفسیر، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: از نظر علامه طباطبائی، قرآن حجیت مستقل دارد و این مطلب را می‌توان به دو صورت معنا کرد: نخست این‌که قرآن کتابی الهی است و در حجیت و حقانیت خود نیازمند غیر نیست و چیز دیگری نمی‌تواند اثبات کند که این کلام پروردگار است و آیات حاوی تحدی در قرآن دلالت بر همین معنا می‌کند.

وی ادامه داد: معنای دوم حجیت قرآن به تفسیر مربوط می‌شود و در این معنا، این پرسش مطرح است که آیا قرآن در دلالت بر معنای مقصود مستقل است؟ و برای معنا کردن قرآن نیازمند رجوع به مرجع دیگری هستیم یا خیر؟ که پاسخ به این پرسش‌ها این است که قرآن در این خصوص نیز نیاز به غیر ندارد.

این پژوهشگر علوم قرآن و تفسیر در پاسخ به این پرسش که مبنای علامه در طرح تفسیر قرآن به قرآن چیست؟ گفت: مبنا به معنای چیزی است که در اتخاذ روش تفسیری، ما را به موضع‌گیری وامی‌دارد. اگر بگوییم که قرآن در دلالت بر معنا مستقل است، پس برای فهم قرآن، باید به آیات قرآن مراجعه کنیم. اما اگر این معنا را نپذیریم و بگوییم برای فهم قرآن باید به کلام معصومین(ع) مراجعه کنیم، راه جدیدی در پیش روی ما قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: اگر بگوییم که بین معانی آیات، پیوند و پیوستگی وجود دارد، ضرورت می‌یابد که در معنی کردن آیات، معنای کلی آیات را مدنظر قرار دهیم و اگر جامعیت قرآن را بپذیریم، باید قبول کنیم که در این صورت، قرآن نیازی به غیر ندارد و هر مسئله‌ای در خصوص سعادت انسان را پاسخ داده است.

حجت‌الاسلام شاه‌علیزاده با تأکید بر این‌که علامه طباطبائی با توجه به مبانی مورد اشاره، تفسیر قرآن به قرآن را ملاک عمل قرار می‌دهد، افزود: علامه معتقد است که قرآن قابل فهم برای عموم است و فهم آن اختصاص به پیامبر(ص) و معصومین(ع) ندارد. در قرآن ذکر شده است که زبان قرآن، عربی مبین است و این به آن معناست که قرآن چنان روشن و گویا است که هر عرب‌زبانی می‌تواند آن را بفهمد.

وی با اشاره به این‌که قرآن می‌فرماید در این قرآن تعقل و تدبر کنید و مخاطب بسیاری از آیات قرآن کفار و اهل کتاب هستند، تصریح کرد: از نظر علامه طباطبائی، اگر قرآن قابل فهم برای عامه مردم نباشد، تعقل و تدبر در آن بی‌معنا و مخاطب قرار دادن کفار و اهل کتاب کار لغوی خواهد بود.

پژوهشگر مؤسسه دارالحديث قم با اشاره به عبارت قرآنی «وَتَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ آيَاتٍ» (نحل/89)، تأکید کرد: از نظر علامه طباطبائی(ره)، قرآن در دلالت بر معنای خود، مستقل است و در دلالت بر معنا بی‌نیاز از غیر است.

وی با بیان این‌که تفسیر عقلی در نزد محققین دو گونه معنا شده است، افزود: معنای نخست تفسیر عقلی این است که قرآن را بر مبنای براهین و مسلمات عقلی معنی کنیم، یعنی اگر آیاتی از قرآن با مسلمات عقلی قابل تفسیر نیست، آیه را به تأویل ببریم که در این صورت مسلمات عقلی، بیانی برای تفسیر قرآن در نظر گرفته شده است و از عقل به عنوان منبع تفسیر استفاده می‌شود.

این پژوهشگر، معنای دوم تفسیر عقلی را همان روش اجتهادی مرسوم در حوزه‌های دینی دانست و ادامه داد: در اینجا عقل به عنوان يك منهج از مسلمات عقلی و آیات قرآن و روایات و سایر اطلاعات و مسلمات بشری استفاده می‌کند و در تفسیر قرآن نقش ایفا می‌کند.

وی افزود: اگر معنای آیه‌ای با مسلمات عقلی در تعارض باشد، آیه را تأویل به معنایی می‌بریم که تعارض برطرف شود. به طور مثال در آیه «وَجَاء رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر/22)، عبارت «وَجَاء رَبُّكَ» به معنای خدا آمد، در معنای اول

چنین فهمیده می‌شود که خدا جسمی مکان‌مند است و آیه از جابجایی مکانی او خبر می‌دهد، و این معنا عوارض زیادی نسبت به خدا دارد و با مسلمات عقلی در تعارض است که در اینجا باید آیات را به معنایی تأویل ببریم که با مسلمات عقلی در تعارض نباشد.

این محقق علوم قرآنی اظهار کرد: از نظر علامه طباطبایی، روایات نمی‌توانند نقش تفسیری برای قرآن داشته باشند، زیرا چنین نقشی هم با خود روایات در تناقض است و هم با متن آیات قرآن کریم. بنابراین نگاه علامه به تفاسیر مأثور، به عنوان جرقه‌های ذهنی و کشف روش‌ها هست.

وی افزود: علامه می‌گوید نبی مکرم اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) نقش معلمانی را داشتند که می‌خواستند روش تفسیر قرآن را به ما آموزش دهند و گاهی هم به عنوان نمونه، مصادیقی از کاربرد این روش‌ها را به ما نشان داده‌اند. آنها در واقع معلمانی بودند که به ما روش‌شناسی می‌آموختند. لذا علامه طباطبایی، روش تفسیر قرآن به قرآن را از متن همین روایات کشف و استخراج کرده است.